



## ویتنام دیگر مترادف جنگ نیست و اکنون یک کشور، یک فرهنگ و یک مرکز تجاری است

# ویتنام چگونه سرپا شد؟

سجاد عطاراده

مترجم

ویتنام در ابتدای دهه ۸۰ میلادی از فقیرترین کشورهای دنیا به‌شمار می‌رفت. رکود اقتصادی فراگیر و ناتوانی در تأمین برنج به‌عنوان اصلی‌ترین منبع غذایی مردم، در کنار نرخ تورم ۷۰۰ درصدی کشور را به ورطه نابودی کشانده بود. شاید در آن زمان اتحاد جماهیر شوروی برخی کالاهای اساسی نظیر دارو و محصولات صنعتی را به ویتنام به‌صورت کمک‌پداخت می‌کرد تا این کشور بتواند در فلاکت مسیرش را ادامه دهد.

زمانی که اتحاد جماهیر شوروی، به‌عنوان بزرگ‌ترین حامی ویتنام، در دسامبر ۱۹۹۱ سقوط کرد، ویتنام با بحرانی روبه‌رو شد که پیش از آن سابقه نداشت. این کشور در آن زمان تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی به رهبری آمریکا بود و تنها یک‌ماه قبل روابط خود را با چین عادی‌سازی کرده بود. ویتنام در مقطع مذکور با مشکلات شدید اقتصادی دست‌وپنجه‌نرم می‌کرد؛ هرچند اصلاحات «دوی موی» به معنای دوباره جوان شدن، از سال ۱۹۸۶ آغاز شده بود.

شرایط در مدت کوتاهی به‌طرز محسوس تغییر کرد. در سال ۱۹۹۵، ویتنام روابطش را با ایالات متحده، دشمن پیشین خود، عادی‌سازی کرد. البته روند عادی‌سازی پیش‌تر با لغو تحریم تجاری ویتنام توسط آمریکا در سال ۱۹۹۴ آغاز شده بود. در سال ۱۹۹۵ ویتنام دو حرکت راهبردی دیگر هم انجام داد؛ پیوستن به آسه‌آن و امضای توافقنامه همکاری با جامعه اروپا. در درون نیز ویتنام برمی‌نای کنگره‌های حزبی خود که هر ۵ سال یک‌بار برگزار می‌شد، اصلاحات را پیش می‌برد.

در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ ویتنام درگیر نگرانی‌های امنیتی بود. این کشور ۲ میلیون پرسنل نظامی فعال داشت که از این نظر رتبه چهارم جهان را به‌خود اختصاص داده بود. اگر به تعداد جنگ‌ها و درگیری‌هایی که ویتنام از زمان حمله فرانسوی‌ها به دانانگ در سال ۱۸۵۸ درگیر آن شده است نگاهی بیندازیم، چنین برداشتی قابل‌توجه است.

به‌علاوه، پیش از سلطه غرب نیز ویتنام شاهد موجی از جنگ و درگیری بوده است. از زمان تهاجم سلسله جین در قرن ۳ قبل از میلاد، ویتنام ۱۰ جنگ بزرگ مقاومتی و ۱۰۰ قیام علیه تجاوزات خارجی را تجربه کرده است. نگاه از منظر سازه‌گرایی به این تعاملات تاریخی منحصربه‌فرد به رمزگشایی نحوه تفکر سیاست‌گذاران ویتنامی درباره جهان و پاسخ به فشارهای بیرونی کمک می‌کند.

هدف لو دین تین، مدیرکل موسسه سیاست خارجی و مطالعات استراتژیک آکادمی دیپلماتیک ویتنام (DAV) در این مقاله روشن کردن این مساله است که چگونه هدف بقا برای ویتنام، نه با وسواس درباره امنیت، بلکه با پیگیری یک راهبر فعال برای تأکید بر توسعه اقتصادی و همچنین دنبال کردن یک نقش برجسته‌تر بین‌المللی بهتر تضمین شده است، در نگاه اول، این استدلال ممکن است مبصر به ویتنام نباشد و برای کشورهای دیگر با اندازه و پیشینه مشابه نیز قابل‌استفاده باشد. با این حال، بررسی دقیق‌تر این زمینه خاص در ترکیب با مجموعه‌ای از داده‌های به‌روز شده، تفاوت‌های ظریف موجود را نشان می‌دهد و می‌تواند به غنی‌تر شدن دانش درباره سیاست خارجی ویتنام و مطالعات تطبیقی سیاسی کمک کند.

### نگاهی دوباره به نظریات و مدل‌ها

این جهت‌گیری مجدد راهبردی ویتنام براساس اشکال گوناگون نظریه‌های روابط بین‌الملل و مدل‌های تحلیل سیاست خارجی به‌طور متفاوتی توضیح داده می‌شود. نئورئالیست‌ها ادعا می‌کنند که در دنیای آتارشیک ملت‌ها در پی نفع خود و عمدتاً نگران بقا هستند که تنها با امنیت نظامی تأمین می‌شود. نئولیبرال‌ها بر این باورند که کشورها فهرست طولانی‌تری از منافع ملی مانند توسعه و نفوذ بین‌المللی دارند و از طریق وابستگی متقابل اقتصادی، نهادها و قوانین بین‌المللی به دنبال منافع خود هستند. از منطقی دیگر، تئوری انتخاب عقلانی به تمایل ملت‌ها به حداکثر رساندن منافع خود و به حداقل رساندن هزینه‌ها اشاره می‌کند. مکتب تحلیل سیاست خارجی Innenpolitik هم مدعی است که سیاست داخلی نیز اهمیت دارد. رئالیست‌های نئوکلاسیک هم بر ترکیب نظام بین‌الملل و رژیم‌های داخلی، مشکلات ادراکی و نگرانی‌های رهبری تأکید می‌کنند، درحالی که سازه‌گرایی به این معناست که سیاست خارجی محصول هویت ملی است که توسط تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. علاوه‌بر این، از آنجا که امروزه بسیاری از کشورها، از جمله ویتنام، بخشی از حقوق حاکمیت خود را به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند آسه‌آن و سازمان ملل واگذار کرده‌اند، همان‌طور که نهادگرایان استدلال می‌کنند، اتخاذ رویکردی جهانی برای توضیح رفتار آنها ضروری است. نکته مهم آن است که ادبیات معاصر درباره روابط بین‌الملل و سیاست خارجی عمدتاً بر قدرت‌های بزرگ متمرکز است و درباره قدرت‌های متوسط با شاکف روبه‌رو هستیم، بنابراین یک رویکرد چند سطحی که دیدگاه‌ها، از جمله دانش محلی را ترکیب می‌کند، مسلماً می‌تواند بهتر درباره کنشگری ویتنام روشن‌تری کند.

تجربه ویتنام نشان می‌دهد که کشورها می‌توانند امنیت را با وسایلی غیر از تمرکز بر سیاست‌های نظامی و درون‌نگر تضمین کنند. از نظر تجربی، اندازه ارتش یک کشور نشانگر

خوبی برای فهم ادراک این کشور از جهان و نحوه برخورد آن با نگرانی‌های امنیتی است. تا سال ۱۹۸۷ ویتنام تعداد سربازان خود را ۶۰۰ هزار تن کاهش داد و معنایش این بود که امنیت دیگر تنها نگرانی این کشور محسوب نمی‌شود. درگیری‌های مرزی با چین تا اواخر دهه ۱۹۸۰ به پایان نرسید، اما تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط دوجانبه از قبل آغاز شده بود. با نگاهی به گذشته‌نگر، همان‌طور که تئوری انتخاب عقلانی نشان می‌دهد، ویتنام صبر نکرد که سیستم سوسیالیستی جهانی دچار بحران شود تا مسیر خود را تغییر دهد. تلاش‌ها پیش‌تر از درون شروع شده بود. بحث‌های داخلی متعدد درون حزب کمونیست بر یافتن راه‌هایی برای هدایت کشور از توفان اقتصادی متمرکز بود، در نتیجه اصلاحات دوی موی از سال ۱۹۸۶ آغاز شد. ویتنام اجازه نداد که ذهنیت دوران جنگ تلاش‌های آن را برای توسعه روابط محدود کند. به همین دلیل است که مدت کوتاهی پس از

پایان جنگ در سال ۱۹۷۵، دیپلمات‌های ویتنامی شروع به ملاقات با هم‌تایان آمریکایی خود برای مذاکره در مورد شرایط عادی‌سازی کردند. در تاریخ اولیه ویتنام نیز از قرن ۱۱ تا ۱۸، علی‌رغم احساسات ضدچینی، دربارهای فتودالی ویتنام پس از هر جنگ به‌طور مداوم هیات‌های دیپلماتیک را برای برقراری صلح با چین به این کشور اعزام می‌کردند. در واقع ارزیابی‌ها و حرف‌های متفاوتی در حزب کمونیست ویتنام درباره وضعیت پیش‌روی کشور وجود داشت. بعداً حزب اذعان کرد که این ارزیابی‌ها از موقعیت‌های گوناگون و نحوه نگاه به روابط با قدرت‌های بزرگ همیشه دقیق نبوده و از نظر کیفی بر سیاست تأثیر گذاشته است. تکامل سیاست خارجی ویتنام پس از جنگ سرد به‌شکل زیگزاگی

نه خطی انجام شده است. روند طولانی عادی‌سازی روابط با ایالات متحده را تنها می‌توان محصول فرآیند تصمیم‌گیری‌های مشورتی در هر دو پایتخت دانست.

این روند ۲۰ ساله از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ منعکس‌کننده وجود نظرات محتاطانه نه‌تنها بین ویتنامی‌ها و آمریکایی‌ها بلکه در بین خود سیاست‌گذاران ویتنامی است. در تفکر بسیاری از ویتنامی‌ها، ایالات متحده مسئول مرگ میلیون‌ها ویتنامی و نابودی اقتصاد این کشور بود و بنابراین هائوی نتوانست روابط صمیمانه‌ای با این کشور برقرار کند. به دلیل همین نگاه روان‌شناختی بود که بسیاری استدلال کردند که درحالی که ایالات متحده «سندرم ویتنام» دارد، ویتنام نیز با سندرم آمریکایی روبه‌رو است. در نتیجه، دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان فرصتی از دست‌رفته برای ایجاد محیطی آرام برای بازسازی ویتنام در نظر گرفته می‌شود.

برای اثبات اینکه کاربست نظریه‌های سیاسی باید بافتاری باشد، پذیرش مارکسیسم-لنینیسم توسط ویتنام می‌تواند نقطه شروع بحث ما باشد. درحالی که لنین می‌گفت که روابط بین مردم باید براساس سه اصل برابری، تعیین سرنوشت و اتحاد باشد، هوشی مین خلاقانه از برابری، همبستگی و کمک متقابل در مبارز برای استقلال ملی دفاع می‌کرد. اهداف، در تاکتیک‌ها انعطاف‌پذیر باشند یا همیشه مطابق با هر شرایطی عمل کنند. این به پارادایم استراتژی دفاعی فعلی «چهار نه و یک وابسته» ویتنام تبدیل می‌شود، به این معنی که ویتنام ضمن پیگیری مداوم روابط متوازن، توسعه روابط دفاعی و نظامی لازم و مناسب با سایر کشورها را بسته به شرایط خاص در نظر خواهد گرفت. این فرمول تجدیدنظر شده طرز فکر انعطاف‌پذیر مورد نیاز را در زمینه رقابت و عدم اطمینان قدرت‌های بزرگ در حال افزایش نشان می‌دهد.

در دیپلماسی ویتنامی، یک اصل محبوب «استحکام در اهداف و انعطاف‌پذیری در تاکتیک» نام دارد که مطابق با آن در هر موقعیت بسته به اقتضای شرایط عمل می‌شود.

ویتنام تصمیم‌گیری‌های خود را تا حدی به این دلیل عقلانی کرد که در گذشته تجربیات تلخی داشت. موضع امنیتی و دیپلماتیک «تکیه به یک‌طرف» که ویتنام با اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۸ دنبال می‌کرد، باعث افزایش خصومت بین این کشور و چین و ایالات متحده شد. در سال ۱۹۷۹ چین جنگ مرزی را آغاز کرد تا «درسی به ویتنام بیاموزد». انگیزه‌های اقدام چین متفاوت بود، اما یکی از آنها نگرانی این کشور از اتحاد ویتنام با اتحاد جماهیر شوروی بود. با تکیه بر این درس، از اواسط دهه ۱۹۹۰، ویتنام سیاست ایجاد توازن بین قدرت‌های بزرگ را در پیش گرفت. این رویکرد «متوازن»، همان‌طور که نئورئالیست‌ها نیز توصیه کردند، به ویتنام کمک کرد تا تهدیدات خارجی را کاهش دهد. در نتیجه، ویتنام امروز روابط مثبت و سازنده‌ای با هر پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل ایجاد کرده است.

### تفسیر نئولیبرالیستی؛ توسعه اقتصادی به‌عنوان یک «وظیفه محوری»

تأکید بر توسعه اقتصادی، همان‌طور که توسط نئولیبرال‌ها مطرح می‌شود، ضروری است؛ زیرا کشورها خواهان رفاه و بیشتر از آن هستند. به حداکثر رساندن منافع اقتصادی امنیت را تضمین می‌کند. در آموزه‌های آکادمی ملی سیاست ویتنام، به‌عنوان مهم‌ترین موسسه آموزشی حزب کمونیست برای رهبران فعلی و آینده این کشور، توسعه اجتماعی-اقتصادی به‌عنوان «وظیفه محوری» برای کل نظام سیاسی در اولویت قرار گرفته است. این درحالی است که در گذشته، رویکردهای جزمی در دوره‌های این آکادمی غالب بود.

تا حدودی به دلیل انتخاب اشتباه سیاست‌ها، ویتنام نتوانست امنیت غذایی مردم خود را تا سال ۱۹۸۹ تضمین کند. یک سیستم سفت‌وسخت و بروکراتیک تمرکز اقتصادی نیروهای مولد را در این کشور محدود می‌کرد. این سختی با بلاایای طبیعی تشدید نیز شد. برای کاهش گرسنگی، ویتنام بیشتر به کمک‌های خارجی، به‌ویژه بلوک شوروی، تکیه می‌کرد اما تفکر جدید از سال ۱۹۸۶ به بعد اجازه آزادسازی اقتصادی را داد. حالا کشاورزان می‌توانستند براساس توانایی و شرایط خود تصمیم بگیرند که با زمین خود چه کنند. سه سال بعد، ویتنام توانست از یک واردکننده برنج به صادرکننده آن تبدیل شود. در سال ۱۹۹۹، ویتنام ۴.۵ میلیون تن برنج صادر کرد و از آن زمان به دومین صادرکننده بزرگ برنج جهان (بعد از تایلند) تبدیل شده است. علاوه‌بر برنج، ویتنام در میان صادرکنندگان برتر قهوه، بادام هندی، فلفل و چندین محصول کشاورزی دیگر قرار دارد.

اصلاحات اقتصادی کلید بهبود عملکرد کلی ویتنام است. به لطف تجدید ساختار، ویتنام به گروه کشورهای درحال توسعه پیوست که زودتر از زمان برنامه‌ریزی شده مطابق با اهداف توسعه هزاره به خط پایان رسیدند. ده‌ها میلیون نفر از فقر رها شده‌اند. در سال ۲۰۱۵، سازمان ملل از ویتنام به‌عنوان یک داستان موفقیت برای سایر کشورهای درحال توسعه یاد کرد. همه این موفقیت‌ها بدون نرخ رشد بالایی که برای مدت زمان قابل‌توجهی حفظ شد غیرممکن بود. تولید ناخالص داخلی ویتنام در ۳۵ سال گذشته از زمان آزادسازی اقتصاد در سال ۱۹۸۶، ۱۲ برابر رشد کرده است. نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در این کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ به‌طور متوسط ۶.۳۸ درصد بوده است. تحقیقات مک کینزی ویتنام را به دلیل رشد تولید ناخالص داخلی سرانه سالانه بیش از ۵ درصد به مدت ۲۰ سال، به‌عنوان یکی از ۱۱ کشور برتر جهان معرفی کرده است؛ بنابراین ویتنام به یک اقتصاد با درآمد متوسط و پررونق تبدیل شده است. ویتنام

یکی از محدود اقتصادهای جهان است که در سال ۲۰۲۰ رشد اقتصادی مثبتی داشته است. از نظر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، این کشور به مقصد موردعلاقه شرکت‌های جهانی تبدیل شده است و در آسه‌آن تنها فیلیپین از آن در رشد این نوع سرمایه‌گذاری جلوتر است (۸۱ درصد در مقایسه با ۱۰۴ درصد). ویتنام همچنین همراه با هنگ کنگ و سنگاپور، یکی از بازرترین اقتصادها در آسیا است که تجارت در آن دو برابر بیشتر از تولید ناخالص داخلی است.

نکته مهم آن است که این رشد اقتصادی به‌عنوان محرک عمل نموده است و دولت ویتنام در تلاش است تا زمینه رشد عادلانه برای همه اقشار جامعه ایجاد شود. به‌علاوه، در نشست سران اپک که در سال ۲۰۱۷ در دانانگ برگزار شد، موضوع مورد حمایت ویتنام میزبان «رشد فراگیر» بود. روایت رشد فراگیر و توسعه پایدار توسط رهبران ارشد کشور به‌عنوان راهی به‌سوی جهان پس از همه‌گیری ترویج شده است.

### جهت‌گیری جهانی؛ راهبر دادگام فعال

ویتنام در اوایل دهه ۱۹۸۰ با توجه به محیط خارجی متخاصم (سطح سیستمی)، تمام تلاش خود را برای نیل به موفقیت در عرصه سیاست خارجی انجام داد. به‌علاوه، با توجه به تجربیات تاریخی و فرهنگی و منافع ملی (سطح واحد)، آغوش باز این کشور به روی جامعه بین‌الملل در واقع گامی منطقی است.

ویتنام که در منطقه‌ای پویا از آسیا-اقیانوسیه قرار دارد، به دلیل انزوای قبلی، درهای کشور را باز کرد، ذهنیتی جهانی‌گرایانه را در پیش گرفت و از آن زمان تاکنون بیشتر و عمیق‌تر در جامعه بین‌المللی ادغام شده است. این انتخاب جسورانه با تصمیم رهبران ارشد حزب کمونیست برای کاستن از دوز ایدئولوژیک در روابط بین‌الملل نشان داده شد. تا قبل از سال ۱۹۹۵، ویتنام جایی در بسیاری از نهادها بین‌المللی، از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نداشت که یکی از دلایل آن عوامل ایدئولوژیک بود. به‌علاوه، تحریم‌های بین‌المللی شدیدی نیز به آن تحمیل شده بود. پس از عادی‌سازی روابط با چین، ایالات متحده و عضویت در آسه‌آن، فضای راهبردی ویتنام گسترش یافت. همان‌طور که نئولیبرال‌ها استدلال می‌کنند، همکاری بین کشورها امکان‌پذیر است زیرا اعتماد متقابل و هنجارسازی می‌تواند این روند را تسهیل کند. در واقع، زمانی که آسه‌آن و ویتنام در سال ۱۹۹۵ نقاط مشترکی یافتند، ویتنام به‌جای اینکه به‌عنوان یک عضو متوسط عمل کند، فعالانه به طرفداری از یک آسه‌آن قوی و یک‌پارچه رفت و این گروه را به‌عنوان یک لایه راهبردی مهم دید که از منافع ملی ویتنام محافظت می‌کند.

در یازدهمین کنگره حزب کمونیست در سال ۲۰۱۱، ویتنام سیاست خارجی «شریک قابل اعتماد و عضو مسئول جامعه بین‌المللی» را اتخاذ کرد. این چشم‌انداز سیاستی، اول از همه برای آسه‌آن اعمال می‌شود. از منظر نئورئالیستی، در جهان دارای هرج مرجع و نظم سلسله‌مراتبی، این قدرت‌های بزرگ هستند که بازیگران اصلی شکل‌دهنده نظام بین‌المللی می‌باشند و کشورهای کوچک و متوسط باید نقش متواضعی را در امور جهانی ایفا کنند. اما در پنج دهه گذشته، مورد آسه‌آن - گروهی متشکل از کشورهای کوچک و متوسط - نشان داده است که صلح و ثبات منطقه‌ای با روحیه اجتماع درون منطقه‌ای و محافل بین منطقه‌ای گسترده‌تر - مانند نشست سران آسیا و نشست وزرای دفاع آسه‌آن پلاس- قابل حصول است.

البته با نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که ویتنام در یکپارچگی اقتصادی متوقف نشد. در سال ۲۰۱۱، هائوی شروع به حرکت در مسیر فراگیرتر کرد؛ پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی در همه زمینه‌ها، از جمله امنیت

و دفاع تا منعکس‌کننده دامنه در حال گسترش منافع ملی خود باشد.

استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای: در ۳ ژوئیه ۲۰۱۳ ویتنام ۱۱ کیلوگرم اورانیوم بسیار غنی شده را تحت تدابیر شدید امنیتی که حداکثر ۵۰ کارشناس بین‌المللی در این زمینه شاهد بودند، از فرودگاه بین‌هوا، به روسیه بازگرداند. این عودت نتیجه یک پروژه همکاری چندساله بین ویتنام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شرکت دولتی انرژی اتمی روسیه و اداره امنیت ملی هسته‌ای ایالات متحده بود. ارسال این مقدار اورانیوم بسیار غنی شده به خارج نشان‌دهنده حمایت ویتنام از تلاش‌های جهانی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای در هماهنگی با مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه‌های سازمان ملل است. همچنین با توجه به نگرانی‌های موجود درباره ایمنی هسته‌ای پس از حادثه غم‌انگیز فوکوشیما در سال ۲۰۱۶، هائوی تصمیم گرفت از طرح ساخت دو نیروگاه هسته‌ای در استان نین‌توان خود صرف‌نظر کند.

ترویج موافقتنامه‌های تجارت آزاد: راهبرد اقتصادی و تجاری ویتنام برخلاف استدلال نئورئالیست‌ها است که می‌گویند منافع ملی عمدتاً از امنیت تشکیل شده است و اهداف دیگری مانند رفاه و نفوذ بین‌المللی باید در جایگاه‌های بعدی قرار بگیرند. به دلیل بیرونی از دیدگاه امنیتی محور، مدت زیادی طول کشید تا تفکر گسترش یکپارچگی اقتصادی بین‌المللی توسط ویتنام اتخاذ شود، حتی زمانی که استراتژی آزادسازی اقتصادی اجرا شد. هنگامی که نخست‌وزیر فان ون خی برای شرکت در نشست اپک در سپتامبر ۱۹۹۹ عازم اوکلند شد، امیدوار بود که ویتنام و ایالات متحده بتوانند یک توافقنامه تجاری دوجانبه امضا کنند اما او به‌زودی متوجه شد که حمایت لازم از سوی برخی از همکارانش که هوشمندانه ذهن‌غره امنیت‌داستاند، برخوردار نیست. اما ویتنام اکنون خود را در خط مقدم آزادسازی تجاری در آسیا-اقیانوسیه می‌بیند و برچسب «جهانی‌ترین کشور پرجمعیت در تاریخ مدرن» را به خود اختصاص داده است. این کشور امضاکننده ۱۷ قرارداد آزاد تجاری با استانداردها بالاتر است که مهم‌ترین آنها، مشارکت جامع و مترقی ترانس‌پاسیفیک و توافقنامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا و ویتنام هستند. این انجام این کار، این کشور به بخشی از شبکه گسترده ترتیبات تجارت آزاد تبدیل شده است که ۵۹ درصد از جمعیت جهان و ۶۸ درصد تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد. به‌عنوان مثال، تجارت با ایالات متحده از تقریباً صفر در سال ۱۹۹۴ به ۷۷.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته و ویتنام را به سیزدهمین شریک تجاری بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل کرده است.

عملیات حافظ صلح در مقابل سنت سختگیرانه دفاع از خود: در ژوئن ۲۰۱۳، سازمان ملل متحد در اقدامی بی‌سابقه معاون وزیر دفاع ویتنام، کئونجین چی وین اعلام کرد که ویتنام کشوری که مدت‌هاست سیاست دفاع از خود را ترویج می‌کند، در اوایل سال ۲۰۱۴ به عملیات حفظ صلح ملحق خواهد شد. این اعلام به‌زودی با اقدامات ملموس همراه شد. از ژوئن ۲۰۱۴ تا دسامبر ۲۰۲۰، ویتنام ۱۷۹ افسر و سرباز، از جمله ۱۲۶ کادر پزشکی نظامی و دو بیمارستان صحرایی سطح ۲ را به مأموریت‌های حفاظت از صلح سازمان ملل در سودان جنوبی و جمهوری آفریقای مرکزی و همچنین اداره عملیات صلح سازمان ملل در مقر این سازمان فرستاده است. تاریخ نشان می‌دهد که ارتش ویتنام هرگز هیچ مأموریت تهاجمی را فراتر از اهداف تعیین‌شده حفظ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی ملی انجام نداده است. حتی امروز، این سیاست به‌طور طبیعی تغییر نکرده است و هائوی همچنان سیاست دفاعی «چهار نه» را دنبال می‌کند: عدم ورود به هیچ ائتلاف نظامی، عدم استقرار پایگاه نظامی خارجی در خاک ویتنام، عدم اتکا به هیچ کشور دیگری برای مبارزه با دیگران و عدم استفاده از زور یا تهدید به استفاده از زور در روابط بین‌الملل. راهبرد «چهار نه» جسمی از ماهیت دفاعی و صلح‌آمیز استراتژی امنیت ملی ویتنام است. با این حال، تفسیر و به‌کارگیری سیاست «چهار نه» تصمیم‌گیرندگان را از درگیر کردن ارتش ویتنام در مأموریت‌های بین‌المللی باز نداشته است.

### به سمت نقش قدرت جهانی

با توجه به بهبود ظرفیت کلی ملی، ویتنام به‌عنوان یک قدرت متوسط در برخی تحقیقات اخیر ذکر شده است. با استفاده از نظریه نظم جهانی آرگانسکی، باربارا کراتیوک استدلال می‌کند که «ویتنام را باید یک قدرت متوسط در نظر گرفت.» سارا اتو هم ویتنام را به‌عنوان یکی از چهار مطالعه موردی قدرت‌های متوسط در آسیا-اقیانوسیه انتخاب کرده است. از نظر توانایی کلی ملی، شاخص قدرت ۲۰۲۰ آسیا ویتنام را در رتبه دوازدهم از بین ۲۶ کشور مورد تحقیق قرار می‌دهد. ویتنام دیگر مترادف جنگ نیست و اکنون یک کشور، یک فرهنگ و یک مرکز تجاری است. در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست در اوایل سال ۲۰۲۱، ویتنام سال ۲۰۲۰ را به‌عنوان آخرین مهلت تبدیل شدن به کشوری درحال توسعه با صنعت مدرن و سطوح درآمد متوسط به بالا تعیین کرد. تا سال ۲۰۴۵ که این کشور صدمین سالگرد تولد خود را جشن می‌گیرد، به دنبال تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته با سطوح درآمد بالاست.